



## دیگری ایرانی در رمان المایسترو سعد القرش بر مبنای نظریه خود و دیگری میخائیل باختین

انتها فیروزی<sup>۱</sup>، جهانگیر امیری<sup>۲</sup>، علی سلیمی<sup>۳</sup>، یحیی معروف<sup>۴</sup>

## چکیده

توجه به «دیگری» شالوده ارتباط میان فرهنگ‌های مختلف با موضوعات متنوع است؛ از این رو دیگری ایرانی، یکی از آن «دیگری»ها به شمار می‌رود. رمان المایسترو رمانی دیالوگ‌محور است که در آن فرهنگ‌های متفاوت به چشم می‌خورد. نظریه خود و دیگری میخائیل باختین، فضای مناسبی برای حضور پررنگ دیگری در شکل‌دادن به خود است. تصویرشناسی یکی از نظریه‌های بسیار گسترده حوزه ادبیات تطبیقی است که در آن «دیگری» نقش ویژه‌ای دارد. همچنین میان تصویرشناسی نظریه خود و دیگری، میخائیل باختین ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. سعد القرش، نویسنده برجسته مصری است که رمان المایسترو را با ترکیبی از فرهنگ‌های گوناگون نوشته است. دیگری ایرانی یکی از مصادیق فرهنگ‌های پرداخته‌شده در رمان المایسترو است که اهمیت دیگری در برابر خود را مورد تأیید قرار می‌دهد. در این پژوهش «خود» مفهوم سیالی دارد؛ به گونه‌ای که گاهی ایرانی و یک عرب به‌عنوان خود در برابر دیگری است؛ همان‌گونه که یک غربی به‌مثابه خود در برابر دیگری قرار می‌گیرد. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی، دیگری ایرانی را در رمان المایسترو با تطبیق بر نظریه خود و دیگری میخائیل باختین نقد و بررسی کند. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که میان تصویرشناسی و نظریه باختین، پیوندی ناگسستنی برقرار است؛ بنابراین رمان المایسترو بستر مناسبی برای مطالعات نقد فرهنگی و میان‌رشته‌ای، به‌ویژه فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید که در آن ایدئولوژی‌های مخالف و موافق، بدون دخالت نویسنده آورده شده که از برجسته‌ترین مبانی نظریه باختین است. این پژوهش، خوانشی نو از ادبیات تطبیقی براساس نظریه خود و دیگری باختین در رمان المایسترو ارائه می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** دیگری ایرانی، رمان المایسترو، نظریه خود و دیگری، میخائیل باختین، تصویرشناسی، ادبیات تطبیقی

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
firoozi.entha@stu.razi.ac.ir
۲. استاد زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول):  
Jamiri@razi.ac.ir
۳. استاد زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
a.salimi@razi.ac.ir
۴. استاد زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران:  
Y.marof@razi.ac.ir

ارجاع به این مقاله:  
انتها فیروزی، جهانگیر امیری، علی سلیمی، یحیی معروف. «دیگری ایرانی در رمان المایسترو سعد القرش بر مبنای نظریه خود و دیگری میخائیل باختین». مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۴، ۱۴۰۳، ۱۲۵-۱۴۸.  
doi: 10.22077/islsh.2024.7062.1386



## ۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی گامی در جهت آگاهی از فرهنگ کشورها و شناساندن فرهنگ سرزمین خویش به جهانیان است. «ادبیات تطبیقی شیوه‌ای برای خروج از مرزهای ملی با هدف شناخت گرایش‌ها در فرهنگ ملت‌های مختلف است» (حسان ۱۹۸۳: ۱۶). رمان نیز بهترین گونه ادبی است که در آن به فرهنگ‌های گوناگون پرداخته می‌شود و راه را برای ورود به عرصه ادبیات تطبیقی می‌گشاید. یکی از عناصر اصلی رمان، گفت‌وگوست که نقش عمده‌ای در روایت دارد. براساس نظریه میخائیل باختین<sup>۱</sup> نویسنده افکار شخصیت‌ها را با هنر گفت‌وگومندی به نمایش می‌گذارد و ایدئولوژی‌های گوناگونی در رمان می‌گنجانند؛ «رمانی که ملاک آن درهم‌آمیختن صداهای متعدد است که هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد» (برنس ۲۰۰۳: ۵۹). در رمان گفت‌وگومحور باختین، خود و دیگری جایگاه ویژه‌ای دارند که شخصیت به‌عنوان یک من مستقل، مؤلف داستان می‌شود. «من هم‌چون مؤلفی که قهرمانانش را شکل می‌دهد، به خود و دیگران شکل می‌بخشم» (باختین ۱۴۰۰: ۴۰). درباره‌ی خاستگاه تصویرشناسی گفته شده است: «تعریف کلی از آینه، ما را به تصویرشناسی سوق می‌دهد؛ از آن جهت که هرآنچه در برابرش است، منعکس می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از رابطه تصویر و اصل آن به ارتباط من و دیگری پی برده می‌شود. پس از این شیوه، برای دستیابی به افکار و اندیشه‌ها و تبادل دیدگاه‌ها استفاده می‌گردد» (بوخلاویس ۲۰۰۹: ۱۴).

سعد القرش<sup>(۱)</sup>، رمان‌نویس برجسته مصری در رمان *المایسترو* چهار شخصیت با فرهنگ‌های متفاوت را گرد آورده است که فرهنگ خود را به تصویر می‌کشند. دیگری ایرانی نمود خاصی در این رمان دارد که با نظریه خود و دیگری باختین قابل نقد و بررسی است. همچنین با توجه به ارتباط ادبیات تطبیقی با فرهنگ، این مقاله بنا دارد دیگری ایرانی در رمان *المایسترو* را بر مبنای نظریه خود و دیگری باختین بررسی کند.

## ۲. هدف پژوهش

هدف این پژوهش آن است که با روش توصیفی-تحلیلی علاوه‌بر معرفی رمان *المایسترو* به دیگری ایرانی در رمان *المایسترو* براساس نظریه خود و دیگری میخائیل باختین پردازد.

## ۳. اهمیت و محدوده پژوهش

رهاورد این پژوهش و ایده‌ها و نگرش متفاوت آن، در پژوهش‌های تطبیقی و

فراملی راه‌گشا خواهد بود که در واقع پژوهشگران با نگاهی تازه به ضرورت ارتباط نظریه باختین و ادبیات تطبیقی پی ببرند.

#### ۴. پیشینه انتقادی تحقیق

در رابطه با رمان المایسترو پژوهش‌های مختصری در سایت‌های عربی انجام گرفته است که به معرفی رمان مربوط می‌شود. پژوهش‌هایی در مورد فرهنگ ایرانی در رمان و نمایش‌نامه نگاشته شده است؛ از جمله «تصویر ایران در رمان سمرقند اثر امین معلوف: پژوهشی در ادبیات تطبیقی» از نظری منظم و دیگران (۱۳۹۵). نتایج آن، نشان می‌دهد که ارتباط نویسنده با «دیگری ایرانی» غیرمستقیم بوده و خوانش او از این «دیگری»، واقع‌گرایانه و در مواردی برخاسته از نگاهی غیربومی‌گرا و گاهی به شکل استروتیپ‌هاست. دستاورد پرچکانی (۱۳۹۷) در «گفتمان فرهنگی عربی درباره ایران: با تکیه بر آثار سه نمایشنامه‌نویس عرب» بیانگر آن است که به‌رغم رابطه‌های تاریخی مثبت میان دو ملت، در نمایشنامه‌های معاصر، با نوعی جدال گفتمان عربی نسبت به ایران مواجه هستیم. هدف «درآمدی بر تصویرشناسی معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی» از نامور مطلق (۱۳۸۸) معرفی تصویرشناسی در قالب روش نقد ادبی و هنری است که به دنبال تعریف این مبحث، نظرهای موافقان و مخالفان آن بررسی شده است.

در زمینه نظریه باختین نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که دو نمونه از آن‌ها بررسی می‌شود. رنجبر و خوشبین‌فر (۱۴۰۰) در «گفتمان غیریت‌ساز در "مجموعه هفت قصه جاده" اکبر رادی»، فضای گفت‌وگو در داستان رادی را برمبنای تلفیق عنصر «خود» از نظریه باختین و کنش متقابل نمادین هوبرت بلومر بررسی کرده‌اند. خوانش اثر در قالب گفتمان غیریت‌ساز نشانه‌های متفاوت از وجوه چندپاره انسان معاصر است. یافته‌های صیادانی و دیگران (۱۴۰۰) در «البولیفونیه فی روایة الديوان الإسبرطی لعبدالوهاب عيساوی علی ضوء النظرية الباختينية» حاکی از آن است که از برجسته‌ترین نشانه‌های چندصدایی باختینی در این رمان، چندزبانی، طنز، بیان‌های مختلف و گفت‌وگوی ویژه است.

با توجه به اینکه درباره رمان المایسترو در ایران پژوهش مستقلی صورت نگرفته؛ این جستار در پی آن است که دیگری ایرانی را در رمان المایسترو براساس نظریه خود و دیگری باختین نقد و بررسی کند.

#### ۵. چهارچوب نظری و روش تحقیق

در این بخش چهارچوب نظریه خود و دیگری باختین و روش پژوهش بررسی خواهد شد.

## ۱-۵. نظریه خود و دیگری میخائیل باختین

فرهنگ عنصری سازنده است که قلمروهای گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد. نظریه‌پردازان، مطالعات فرهنگی بی‌شماری انجام داده‌اند:

میخائیل باختین یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان فرهنگی به شمار می‌آید که آوازه او بیشتر حول دو مفهوم متمرکز است؛ مفهوم گفت‌وگومندی<sup>۱</sup> و کارناوال<sup>۲</sup>. ایده امر گفت‌وگومندی که به جنبه‌های ارتباطی و خلاقانه رمان وارد می‌شود، به وسیله باختین در نقد رویکردهای سوسوری<sup>۳</sup> در برابر مفاهیم نمادین به کار برده شده است (اسمیت ۱۳۹۶: ۲۹۸۳۰۰).

به اعتقاد باختین، ساختارگرایان به تک‌گویی یا مونولوگ<sup>۴</sup> توجه ویژه‌ای داشتند که سبب منفعل شدن خواننده می‌شد:

زبان‌شناسی به رابطه‌گیننده با زبان در چهارچوب یک سویه توجه می‌کند؛ اما میخائیل باختین اولین کسی بود که در این موضوع تجدید نظر کرد و زبان را صورت زنده‌ای دانست که از آن بهره می‌جویند. اگر زبان دارای ماهیت زنده باشد؛ با صداهای مختلف مواجه می‌شویم (زیتونی ۲۰۰۲: ۸۳).

باختین نظریه پرکاربرد و نیرومند خود را براساس رمان‌های داستایفسکی<sup>۵</sup> بررسی کرد. وی درباره ویژگی رمان‌های داستایفسکی می‌گوید: «گفت‌وگو در آثار داستایفسکی، بر تمهید پایه‌ای ساده‌ای استوار است: تقابل یک فرد با فرد دیگر، همچون تقابل "من" با "دیگری" (۱۳۹۵: ۵۰۱). درباره ارتباط با دیگری به نقل از باختین گفته شده است: «فقط جایگاه اجتماعی و تاریخی انسان را واقعی می‌کند و محتوای آفرینش شخصی و فرهنگی او را تعیین می‌کند» (تودوروف ۱۳۷۳: ۴۵). از بررسی نظریه گفت‌وگومندی باختین دریافت شد که در رابطه با دیگری، خود شکل می‌گیرد. «بنیادی‌ترین نتیجه‌ای که باختین از تئوری گفت‌وگوگرایی خود ارائه می‌دهد این است: ما در رابطه با یکدیگر، سازنده بخشی از حقیقت خود هستیم؛ پس هر یک از ما سازنده داستان خود است» (هنرمنند ۱۴۰۱: ۶۸).

## ۶. پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

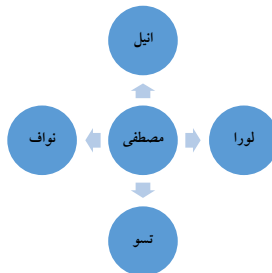
۱. چگونه رمان المایسترو را می‌توان با نظریه خود و دیگری باختین تطبیق داد؟

1. Dialogic
2. carnival
3. saussurian
4. Monologue
5. Dostoevsky

۲. تصویرشناسی ایرانی از دیدگاه شخصیت‌های رمان المایسترو به چه شکل است؟

### ۷. خلاصه رمان المایسترو

المایسترو عنوان شخصیت اصلی رمان به معنی رهبر ارکستر سمفونی موسیقی است که شخصیت‌های داستان، مصطفی را به واسطه نظم دادن به ریتم گفت‌وگوی میان خود برگزیده‌اند. با توجه به اینکه مصطفی با در دست داشتن یک عصا از آن برای نظم بخشیدن به گفت‌وگوی همراهان در قایق استفاده می‌کند، شباهت نزدیکی به رهبر ارکستر پیدا می‌کند. عنوان این رمان حکایت چهار شخصیت مرد با فرهنگ‌های متفاوت در قایقی است که در مدت کوتاهی همدیگر را ملاقات می‌کنند؛ یعنی انیل هندی، تسو تبتی، نواف عرب و مصطفی مصری. از طرفی شخصیت اصلی دیگری در رمان وجود دارد که گفت‌وگوی شخصیت‌ها را تکمیل می‌کند. او لورا، همسر آمریکایی تبار مصطفی است که از طریق جریان سیال ذهن مصطفی به خواننده معرفی می‌شود. بخش اصلی اطلاعات به خواننده در گفتمان لورا و مصطفی است که از مقایسه شرق با غرب شروع و تا شرق با شرق ادامه می‌یابد. در نمودار ۱، مصطفی در مرکز دایره است و شخصیت‌های دیگر همواره با او در ارتباط هستند.



نمودار ۱. نمودار خود و دیگری باختین در رمان المایسترو

رمان متعلق به روایت شخصیت‌هاست و در تار و پود درونی خود در بردارنده فراداستان‌های گوناگون است. رمان المایسترو نیازمند مطالعه منابع موثق علمی و تاریخی است تا بتوان گفت‌وگوی شخصیت‌ها را درک کرد. پیام اصلی این رمان آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و پذیرش دیگری است.

### ۸. گفتمان دیگری ایرانی در رمان المایسترو بر مبنای نظریه خود و دیگری باختین

گفتمان دیگری ایرانی در رمان المایسترو از چند بخش تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها دارای موضوع‌های مختلف و قابل نقد و بررسی با نظریه خود و دیگری باختین است.

#### ۱-۸. دیگری به عنوان غیر خودی

در گفت‌وگوی لورا با مصطفی در *رمان المایسترو مصطفی* نخست عدم شناخت خود را از زبان فارسی اعلام می‌کند؛ در یک لغزش آشکار به جای زبان فارسی، زبان ایرانی به کار می‌برد. لورا با توجه به پیشینه ارتباط ایران و مصر انتظار دارد که مصطفی از فرهنگ و زبان فارسی آگاهی داشته باشد و دیگری را طبق نظریه باختین، خودی بداند؛ اما برخلاف توقع لورا، مصطفی دیگری ایرانی را غیرخودی می‌داند. نگاه به دیگری ریشه در دو نگرش متضاد دارد: نگاه اول «دیگر» را دشمن و او را موجودی غیرخودی می‌انگارد. غیرخودی کردن از این زاویه، بیشتر در معنای بیگانه کردن است؛ بنابراین دیدگاه اول با دیدی منفی به دیگری می‌نگرد. نگرش دوم «دیگر» را منبع آگاهی و عامل انتقال آن به «خود» می‌داند؛ این نگرش نیز در واقع نسبت به دیگری نظری مثبت دارد (هنرمند ۱۴۰۱: ۵۸):

زبان و ادبیات ایرانی را نمی‌شناسم. لورا با رسم لبخندی روی مانتیور در ادامه توضیح داد که ما زبان ایرانی نداریم؛ بلکه زبان فارسی داریم که با خط عربی نوشته می‌شود. بعد از آن مصطفی احساس شرمندگی کرد و مکالمه را به پایان رساند تا اینکه خوب مطالعه کند و بتواند در برابر علم و سواد فرهنگ لورا ایستادگی کند (۲) (القرش ۲۰۱۹: ۴۳).

زبان عربی و فارسی همواره از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. «عرب‌زبانان واژه‌های بسیاری را از زبان اقوام مختلف وارد زبان خود کردند؛ اما زبانی که در وام‌دادن به زبان عربی گوی سبقت را ربود، زبان فارسی است» (آدی شیر ۱۹۸۸: ۳). ارتباط تنگاتنگ زبان فارسی و عربی بیانگر اهمیت دیگری است؛ همان‌طور که باختین به دیگری توجه ویژه‌ای داشت: «ما خود را از منظر دیگران ارزش‌گذاری می‌کنیم و می‌کوشیم به میانجی دیگران، امور مُشرف بر آگاهی خود را مدنظر قرار دهیم» (۱۴۰۰: ۹۴).

## ۲-۸. نیاز به دیگری

لورا ضمن معرفی قدیمی‌ترین کتاب داروشناسی ایرانی، به سبک نویسندگی ایرانیان اشاره دارد که در گذشته برای عناوین کتاب‌هایشان، زبان عربی را که زبان رسمی آن زمان بوده است، برمی‌گزیدند. در این گفت‌وگو مصطفی از عنوان کتاب تعجب می‌کند و از لورا می‌پرسد که چگونه عنوان کتاب عربی است؛ اما نوشتار کتاب به فارسی است. لورا پاسخ می‌دهد دلیل آن به انس گرفتن ایرانی‌ها به زبان عربی برمی‌گردد:

قدیمی‌ترین نسخه خطی فارسی در جهان به قرن نهم میلادی برمی‌گردد، تاریخ دقیقش حدود سال ۱۰۵۶ میلادی (۴۴۷ قمری) است. عنوان آن *الأبئیه عن حقائق الأدویة* و نویسنده شیمی‌دان آن، ابومنصور علی الهروی که به خط اسدی طوسی نوشته شده و

در کتابخانه ملی وین نگهداری شده است؛ اما عنوان این کتاب عربی است. ایرانی‌ها عنوان‌های کتابشان را معمولاً به زبان عربی می‌نویسند. انتظار نداشتیم که این نکته را از دست دهی. مصطفی تو دقیق و تیزبینی (۳) (۱۲۳).

لورا به توجه ایرانیان به عنوان خود به دیگری (زبان عربی) اشاره دارد و این موضوع بر نظریه باختین تأکید می‌کند که می‌گوید: «ما در حیات خود و پس از نگرستن به خویشتن با چشمان دیگری، به خویشتن بازمی‌گردیم» (۱۴۰۰: ۹۶)؛ بنابراین با عنایت به نظریه خود و دیگری باختین، پی برده شد که ایرانی به مثابه خود در این قسمت به دیگری اهمیت داده؛ چراکه زبان عربی، زبان مأنوس در آن زمان بوده است.

### ۳-۸. عدم کنش‌پذیری خود در برابر دیگری

مطبوعات همواره در جهت‌دهی به افکار عمومی تأثیر انکارناپذیری دارند. «مطبوعات آینه افکار عمومی و از قدرتمندترین ابزارها برای بیان عقیده هستند؛ به طوری که نمی‌توان ملتی را در عصر حاضر بدون مطبوعات تصور نمود» (حمزة ۱۹۶۳: ۷).

در یکی از داستان‌های نواف در رمان المایسترو یک زن غربی به مجله نشنال ژئوگرافیک اشاره می‌کند که بر نام خلیج فارس تأکید دارد. از داستان‌های همراهان در قایق، گفت‌وگوی زن عرب و مرد عرب (نواف) است که حس ملی‌گرایی و پان‌عربیسیم دارند، با یک زن غربی که در کافه‌ای در هلند ملاقات می‌کنند و به نام خلیج فارس حساسند و بر عربی‌بودن این خلیج تأکید می‌ورزند؛ اما زن غربی از این حساسیت تعجب می‌کند:

مصطفی هیچ اهمیتی به صفتی نداد که لورا پس از کلمه خلیج آورد و به خاطر نمی‌آورد که لورا گفت «خلیج» یا صفتی برایش آورد که به رگ غیرت نواف و آن زن عرب برخورد. چون آن زن بلوند خارجی گفت: خوب است که اهل خلیج فارس به‌طور اتفاقی در یک قهوه‌خانه در کنار اهرام گرد بیایند. نواف سکوتی همراه با خشم در پیش گرفت که زن (عرب) نتوانست آن را فروببخورد؛ بنابراین گفت: جایی به اسم «خلیج فارس» نمی‌شناسیم. شاید منظور شما «خلیج عرب» باشد. (زن خارجی گفت): مجله نشنال ژئوگرافیک (۴) همیشه می‌نویسد «خلیج فارس». من منابع عربی به زبان انگلیسی را پیگیری نمی‌کنم تا بدانم که شما چه اسمی روی آن گذاشتید. (زن عرب گفت): اسمش خلیج عرب است. زن بلوند با تعجب شانه‌هایش را بالا انداخت وقتی که زن عرب را دید که چیزی نمانده بود لیوان آب را پرتاب کند، اگر نواف خیلی سریع آن را نگرفته بود. سپس زن خارجی گفت: بسیار خوب، اکنون بگذارید اسمش خلیج عرب باشد، راضی شدید؟ زن عرب کمی آرام شد و نواف هر دوی آن‌ها را زیر نظر گرفته

بود. (زن عرب گفت): مسئله این نیست که من راضی باشم، موضوع فقط این است که نمی‌خواهیم حقیقت تحریف شود. مانند دفعه پیش شانه‌هایش را بالا انداخت و به آرامی گفت: این ماییم که حقیقت را می‌سازیم و بر آن پافشاری می‌کنیم و دیگران را قانع می‌کنیم. واقعیت این است که هیچ حقیقتی وجود ندارد. به تلویزیون اشاره کرد و گفت: این صفحه، مردم را جادو می‌کند. هرکسی مهارت اثرگذاری دارد از آن برای تحریف واقعیت‌ها استفاده می‌کند و حقیقت‌هایی را از بین می‌برد و افسانه‌هایی را به اثبات می‌رساند (۵) (۴۹).

اظهار نظر جرجی زیدان، نویسنده مشهور، در اثبات تاریخی نام خلیج فارس نشانگر وجود این مسئله در تمام دوره‌هاست: «دریای فارس تمام دریا‌هایی که سرزمین‌های عرب از سرچشمه آب دجله تا ایله را احاطه می‌کند، تعبیر می‌شده است؛ اما امروز از آن به‌عنوان خلیج فارس، خلیج عدن، دریای سرخ تعبیر می‌کنیم» (۲۰۱۳، ج ۲: ۴۵).

در این گفتمان نگاه به دیگری ایرانی در موضع تعصب‌گونه و ستیزجویانه دیده می‌شود. براساس نظریه خود و دیگری باختین، خانم غربی کنشگر بوده است؛ اما همتای عربش با حالت درماندگی به شکل استفهام انکاری عدم کنش‌پذیری را در بحث مکان، یعنی خلیج فارس داشته است. «مکان و زمان خاص یک مؤلف است. در ظرف چنین مکان و زمانی، در قبال دیگری محصور در آن‌ها می‌توان کنشگر بود و بس؛ اما کنش‌پذیر هرگز» (باختین ۱۴۰۰: ۲۲۴) در این گفت‌وگو خود، فردی انعطاف‌ناپذیر و کنش‌ناپذیر در مقابل دیگری کنش‌پذیر و منعطف قرار گرفته است.

#### ۴-۸. خود شیفتگی خود در مقابل دیگری

لورا از عدم آگاهی مصطفی از شاهنامه در شگفت است. وی در مورد جایگاه این کتاب معتقد است مستشرقان آن را هم‌شان معلقات عربی می‌دانند؛ اما در ادامه دیدگاه اشتباه خود را مبنی بر اینکه هزار و یک شب بهتر از شاهنامه است، بیان می‌کند. لورا معتقد است کتاب هزار و یک شب، اثری کاملاً عربی است؛ هرچند هنوز در مورد اصالت آن، اختلاف نظر وجود دارد: «هزار و یک شب از مایه‌های هندی-ایرانی اخذ شده است؛ اما افسانه‌های دیگری هم بر آن‌ها افزوده شده که یا تخیل محض است و یا روایات تاریخی شاخ‌وبرگ یافته» (عبدالجلیل ۱۳۶۳: ۲۰۶). از دیدگاه باختین نویسنده نقشی در روند گفت‌وگو ندارد و شخصیت‌ها مستقل هستند؛ سخن القرش نظریه باختین را تأیید می‌کند (۶). «مؤلف قادر به اختراع قهرمانی نیست که فاقد پایگاهی مستقل از کنش آفرینش‌گرانه مؤلف باشد؛ یعنی پایگاهی مستقل از آن کنشی که قهرمان را فرم می‌بخشد» (باختین ۱۴۰۰: ۳۵۶).

از اهمیت شاهنامه می‌توان به ترجمه عربی آن توسط بُنداری در قرن هفتم و



تکمیل و تصحیح آن به دست عزام در دوره معاصر اشاره کرد. عزام درباره شاهنامه می‌گوید: «شکی نیست که محتوای شاهنامه، حمیت پارسی‌ها، تصویرسازی نیکو و شکوه موسیقی در علاقه مردم به آن تأثیر داشته است» (۱۹۳۲: ۷۴):

انتظار داشتیم در مورد شاهنامه از من بپرسی. مجموعه افتخارات فرهنگی و تاریخی پارسی است و برخی از خاورشناسان آن را در سطح معلقات عربی می‌پندارند. ذهن خود را درگیر نکن؛ شما هزار و یک شب را دارید که تا روز قیامت با آن قابل مقایسه نیست و قلبی کشید و خندید (۷) (۱۲۳).

در قسمت دیگر لورا شاهنامه را به مصطفی معرفی می‌کند و او را با صادق هدایت آشنا می‌کند. به نظر می‌رسد علت ناآشنایی مصطفی، ناشی از خودشیفتگی است که نمی‌تواند دیگری را ببیند و این با نظریه خود و دیگری باختین هم‌سوست: «خودشیفتگی در واقع نتیجه ناتوانی فرد در دیدن «دیگر» است و فرد خودشیفته نمی‌تواند از چشم دیگران به «خود» بنگرد، در نتیجه از خودش درکی توهم‌زده و گسسته از واقعیت پیدا می‌کند» (هنرمند ۱۴۰۱: ۵۴):

به او گفت: او یک وکیل است و پژوهشگر تاریخ ادبیات نیست. این نویسنده بنام (هدایت) را نمی‌شناسند و حدس زد که ایرانی یا ترکی‌تبار باشد و بقیه جمله لورا را خواند که شاهنامه، فارسی و هدایت ایرانی است و خواست که با توضیح مختصری گفت‌وگو را به پایان برساند (۸) (۴۳).

شاهنامه یکی از جلوه‌های دیگری است که لورا به آن می‌پردازد؛ همان‌طور که باختین بر دیگری متمرکز می‌شود:

درون ما، به تمامی تشکیل شده از مرزها، در «وجود» باید «غیر» را جست. آشکار می‌شود چرا باختین تا این اندازه به گفت‌وگو بها می‌دهد: نه تنها از رهگذر کنش غیر است که هستی انسانی می‌شود؛ بلکه تمامی جهان آن‌گاه که اولین آگاهی ظهور می‌کند، به جهانی دیگر تبدیل می‌شود (تودوروف ۱۳۷۷: ۱۸۴).

طبق فضای کلی گفت‌وگوی همیشگی لورا و مصطفی در رمان المایسترو، مصطفی با خودشیفتگی در مورد دیگری ایرانی عکس‌العمل نشان می‌دهد که با خود و دیگری باختین هم‌خوانی دارد و نمونه ذکر شده دلیل این مدعاست.

## ۵.۸. تأثیرپذیری از دیگری

لورا در این بخش به مصطفی می‌گوید اگرچه ایرانیان به شاهنامه می‌بالند، شما بهتر از آن، یعنی هزار و یک شب را دارید؛ اما هزار و یک شب نیز دارای ریشه ایرانی- هندی است:

1. Etre
2. Autre

هزار و یک شب، از داستان‌های منقول تفریحی به شمار می‌آید. به‌طور کلی نمی‌توان گفت که اصل این کتاب به کجا می‌رسد. برتر آن است که بگوییم اصل آن ایرانی- هندی است و ترجمه کتاب هزار/افسان است که در اواسط قرن سوم هجری از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده است (الفاخوری ۱۳۸۰: ۷۲۸).

لورا به‌عنوان یک زن غربی در پی سوژه‌شناساندگی خود در برابر ابژه‌گرایی فرهنگ ایرانی است؛ اما واقعیت این را نشان نمی‌دهد و طبق قرائن سبب ابژه‌گرایی غربی و سوژه‌شناسی ایرانی می‌شود. لورا با زبان تفاخرگونه، آثار زبان فارسی را محدود به قرن نهم میلادی می‌داند؛ اما قطعاً چنین نیست؛ زیرا با سیری کوتاه در تاریخ، برای ما مشخص می‌شود کتاب‌هایی در زبان پهلوی وجود داشته است. در تاریخ ادبیات صفا آمده است:

کتب پهلوی که در سه قرن اول هجری نوشته شده و بسیاری از آن‌ها اکنون باقی مانده است، یا ترجمه و تفسیر نسک‌های اوستا یا کتبی است که در مسائل مختلف اخلاقی، دینی، تاریخی، جغرافیایی و ادبی نوشته شده و غالب آن‌ها متعلق به قرن هفتم، هشتم و نهم میلادی است (۱۳۶۹، ج ۱: ۱۳۵).

لورا می‌گوید:

شما در زبان عربی که یکی از جدیدترین زبان‌هاست، میراث مکتوبی در فقه، تاریخ، عرفان، ادبیات، فلسفه و طبیعت دارید که قدیمی‌تر از هر زبان دیگری است و فرهنگ همسایه، مانند فارسی پیش از قرن نهم میلادی که سابقه مکتوب ندارد، بر شما برتر است و با شاهنامه به شما می‌بالند و شما هزارویک شب، بزرگ‌ترین متن روایی در تمام زمان‌ها و زبان‌ها را دارید (۹) (۱۱۷).

لورا همچون شهزاد ایرانی هرشب برای مصطفی گفتمانی ترتیب می‌دهد و مصطفی علی‌رغم بی‌حوصلگی، جذب داستان‌گویی او می‌شود؛ همان‌گونه که شهزاد با داستان‌های جذاب خود پادشاه را شیفته خویش می‌کند:

او با بستن چشمانش از توصیف به وجد آمد و گفت که اکنون هزار و یک شب را فرامی‌خواند و جایگزین شهزاد می‌شود و شهزاد شاه را فریب داد و با مکر در فداکاری جانش، موفق به نجات دختران همجنس خود شد و داستان‌های زنجیروار را دامی برای شاه قرار داد (۱۰) (۱۶۶).

هزار و یک شب و شهزاد هر دو به‌منزله دیگری هستند که لورا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و این امری است که باختین هم در نظریه خویش بر آن تأکید می‌کند: «می‌توان از نیاز مطلق انسان به دیگری و کنش‌های او سخن گفت؛ کنش‌هایی هم‌چون نگرستن، به‌یادآوردن، تجمیع‌کردن و خودکاری وحدت‌بخش او؛ تنها همین خودکاری، قادر به آفرینش شخصیت تکمیل‌شده انسان است» (۱۴۰۰):

۱۲۳). در این بخش به دیگری ایرانی به‌طور کلی با نگاه مثبت پرداخته شده که لورا تحت تأثیر داستان‌های هزار و یک شب و شهرزاد قصه‌گو بوده است.

#### ۶-۸. وجود دیگری به‌عنوان امر حیاتی

لورا دانش مصطفی را از آنجا که وکیل ماهری است، با اشاره به کتاب *قانون ابن سینا* امتحان می‌کند. مصطفی گمان می‌برد با توجه به اسم ظاهری کتاب، مربوط به قانون است. لورا به او گوشزد می‌کند که کتاب ابن سینا درباره علم پزشکی است و ارتباطی با قانون ندارد. ابن سینا دانشمند ایران زمین است که آوازه او سراسر جهان را فراگرفت. دو تن از مستشرقین اروپایی درباره ابن سینا می‌گویند: «ابن سینا، فیلسوف و پزشک ایرانی است و نام او را به لاتین Avicenna نقل کرده‌اند و از فیلسوفان دیندار مسلمان است» (ری و ارمسون ۲۰۱۳: ۲۰).

من مشغول کسب علم حقوق بودم و جز تحصیل در رشته حقوق کاری نداشتم. لورا در ابتدای صحبت‌هایمان قبل از دیدار مستقیم، یک شب با مراجعه به کتاب *قانون ابن سینا* مرا مسخره کرد. گفتم: در مراجع قانونی آن را نیافتم، گفت: آن کتابی در پزشکی است (۱۱) (۹۴).

*قانون ابن سینا* به‌مثابه دیگری است که نقش بارزی در خود شرقی دارد و این با نظریه خود و دیگری باختین هم‌سوست که می‌گوید: «وجود دیگری، پیرنگ بنیادی یا رشته داستان حیات مرا تعیین می‌بخشد؛ کران‌های وجود/ نیستی ارزشمند دیگری- در کران‌هایی هرگز به خودم داده نمی‌شوند و قادر به تجربه‌شان نیستم- محصور شده‌اند» (۱۴۰۰: ۲۳۳). قانون ابن سینا برای مصطفی که یک وکیل بوده، امر حیاتی بوده؛ اگر چه به گمان اشتباه خود منجر شده است؛ اما به وجود دیگری و اهمیت آن پی برده می‌شود.

#### ۷-۸. افزون دید در برابر دیگری

در نامه لورا به مصطفی درباره کتاب *الانبیة عن حقائق الادویة* نوشته هروی بیان شده که کهن‌ترین دست‌نوشته فارسی و قدیمی‌ترین دانشنامه داروشناسی است. بنابراین گفته محققان، این اثر:

کتابی است در مفردات طب موسوم به کتاب *الانبیة عن حقائق الادویة* ابومنصور موفق بن علی الهروی که در عهد منصور بن نوح سامانی تألیف شده است. از این کتاب یک نسخه به خط علی بن احمد طوسی، شاعر معروف صاحب *گرشاسب‌نامه* و مؤلف فرهنگ فارسی معروف به *لغات اسدی* است و در ماه شوال ۴۴۷ استنساخ شده، در کتابخانه وین موجود است (قزوینی ۱۳۰۲، ج ۱: ۶۵).

در ادامه می‌آید که:

لورا گفت: وی در آن شب گفت‌وگو را رها کرد؛ درحالی که مطمئن شد که قدیمی‌ترین

نسخه خطی فارسی در قرن نهم میلادی نوشته شده است؛ سپس از خواب امتناع ورزید و بی‌خوابی او را به جست‌وجوی طلوع دستاورد نگارش فارسی و ارتباط آن با تمدن اسلامی واداشت. به یقین نرسید؛ پس دریافت که صحبت‌کردن با زنی که فقط براساس عقل عمل می‌کند، فایده ندارد و نامه را با چیزی شبیه عذرخواهی و خداحافظی به پایان رساند. پس نامه را خواند و پاسخ داد: می‌خواهم اطلاعاتی که دیشب برایتان نوشتم، تصحیح کنم، قدیمی‌ترین نسخه خطی فارسی در جهان، به قرن نهم میلادی بر نمی‌گردد؛ تاریخ دقیقش حدود سال ۱۰۵۶ میلادی (۴۴۷ قمری) است. عنوان آن *الأبئیة عن حقائق الأدویة* که نویسنده شیمی‌دان آن ابومنصور علی الهروی است و به خط اسدی طوسی نوشته شده و در کتابخانه ملی وین نگهداری شده است (۱۲) (۱۲۲).

لورا به‌عنوان یک زن غربی از زاویه نگاه خود براساس معلومات خویش مصطفی را از دیگری ایرانی آگاه می‌کند و این همان دیدگاه باختین در مورد دیگری است: «نیروی از خود بیرون‌آمدن و دیدن از زاویه‌نگاه دیگر، موجب می‌شود که در دیدن دنیا از نگاه دیگران بهره ببریم. باختین این فرایند را با اصطلاح افزون‌دید توصیف می‌کند» (هنرمند ۱۴۰۱: ۷۰). یکی از نتایج پربار توجه به دیگری، افزون‌دید یا گسترش زاویه دید خود و دیگری در موضوعی است.

### ۸.۸. درک دیگری

لورا که به قصد آگاهی از کتاب *الأبئیة عن حقائق الأدویة* نوشته هروی، به خط اسدی طوسی گریزی می‌زند؛ درحقیقت علاوه بر معرفی کتاب، به نام نویسنده و خطاط آن اشاره می‌کند:

قدیمی‌ترین نسخه خطی فارسی در جهان به قرن نهم میلادی بر نمی‌گردد، تاریخش حدود سال ۱۰۵۶ میلادی (۴۴۷ قمری) است. عنوان آن *الأبئیة عن حقائق الأدویة* که نویسنده شیمی‌دان آن ابومنصور علی الهروی است و به خط اسدی طوسی نوشته شده و در کتابخانه ملی وین نگهداری شده است (۱۳) (۱۲۳).

در این بخش به‌طور ضمنی به درک دیگری ایرانی، یعنی اسدی طوسی اشاره شد؛ همان‌گونه که در نظریه خود و دیگری باختین هنرمندان به دیگری پرداخته شده است: «من تنها کنش دیگری را هنرمندان ادراک می‌کنم و به آن یک فرم هنرمندان می‌بخشم؛ حال آنکه کنش‌های من از درون خودم به کمال هنرمندان نمی‌انجامند» (۱۴۰۰: ۱۳۷).

### ۹.۸. فرم‌بخشیدن به خود از راه دیگری

به نظر لورا سروده‌های مولانا الهام‌بخش است و کاربرد بسیاری در تمام عرصه‌های زندگی دارد:

سپس حدس زد که او به خواب رفته است و نامه‌ای برای او نوشت که شاید از

جلال‌الدین رومی اطمینان خاطری داشته باشد: وقتی مرحله سختی از زندگی خود را پشت سر می‌گذارید، به‌عنوان یک بازمانده به زندگی ادامه دهید نه قربانی (۱۴) (۱۹۰). مولوی، دیگری ایرانی است که لورا او را یک شاعر برجسته می‌داند؛ همان‌گونه که در نظریه باختین، دیگری جایگاه ویژه‌ای دارد: «می‌کوشیم به وساطت دیگری به خود فرم دهیم و خود را جان ببخشیم. نتیجه آن، نمود غیرطبیعی و متمایزی است که نقش آن را در آینه بر چهره‌مان می‌بینیم» (۱۴۰۰: ۱۱۹). یکی از راه‌های شکل‌دادن به خود، نگاه به نکات مثبت دیگری است که در این صورت نقش حیاتی برای خود دارد.

### ۱۰-۸. نقش دیگری در تصوف

در این بخش از رمان، ایران مهد تصوف است که می‌توان صوفی‌گری را با تفکر غربی سنجید. لورا به نویسنده مطرح انگلیسی عرفان اسلامی، کارن آرمسترانگ<sup>۱</sup>، اشاره می‌کند که آرزو داشت به شرق ایران برود. آشنایی او با علمای این خطه از ایران سبب بازنگری دیدگاهش به تاریخ اسلام شد و کتابی با عنوان محمد (ص)، پیامبری برای زمان ما منتشر و آن را از تصوف ایرانی اقتباس کرد. اندیشمندان درباره تأثیر تصوف ایرانی بر جهان اتفاق نظر دارند: «تصوف اسلامی یکی از عرصه‌هایی است که مشارکت ایرانیان در آن تجلی یافت؛ تاجایی که تصوف اسلامی بدون نگاه به جنبه ایرانی آن، برای پژوهشگر دشوار است» (الدسوقی شتا ۱۹۸۷: ۵).

نواف، لیوان را بر لبه قلیق می‌گذارد و می‌گوید آن زن سلام را با دو کلمه بیگانه «Hi»، آغاز کرد. مصطفی می‌خندد با دو حرفی که راهی در میان ابرها و اقیانوس به آن سوی کرانه دیگر گشود و می‌گوید که لورا آرزو داشت به سوی کرانه دیگر خلیج عبور کند؛ به سمت شرق ایران؛ جایی که کارن آرمسترانگ (۱۵) می‌گوید: باید در مسلمات (باورهای راسخ) غربی تجدید نظر صورت گیرد و در پژوهش در تاریخ اسلام اقدام کرد و کتاب خودش را که محمد (ص)، پیامبری برای عصر ماست منتشر کرد. ترجمه کردن این کتاب به عربی، پروژه‌ای بود که لورا را به خودش مشغول کرده بود (۱۶) (۴۸).

لورا به تصوف ایرانی به‌عنوان دیگری با دید مثبت اشاره می‌کند؛ همان‌طور که باختین در تصوف بر دیگری تأکید می‌ورزد: «گرایش‌های نوافلاطونی موضع برتر را در اختیار دارند؛ دیگری بیش از هر چیز، یک من از منظر خود است. هر دو حول یک رابطه ارزش‌محور- یعنی رابطه با خود و دیگری- با همه تمایزات و اصالتشان نمودار می‌شوند» (۱۴۰۰: ۱۵۴). براساس نظریه خود و دیگری باختین تصوف سبب شناخت عمیق خود نسبت به هستی می‌شود؛ همان‌گونه که تصوف ایرانی به درک درست آرمسترانگ از تصوف اسلامی منتهی شد.

## ۱۱-۸. نگاه شخصیت داستان به دیگری ایرانی

لورا با موضع پادگفتمانی فرهنگ عربی در برابر فرهنگ ایرانی به دنبال کم‌اهمیت جلوه‌دادن صادق هدایت است؛ اما شهرت هدایت را نمی‌توان نادیده گرفت. القرش نیز مقاله‌ای کوتاهی با عنوان «البومة العمياء... "الآخر" أنت» نگاشته است. به نظر القرش «بوف کور آینه‌ای از زمان هدایت و روزگار ماست. رمانی که در جست‌وجوی پاکی و شرافت و نمادی از دنیای پیچیده ذهن هدایت است. خواندن بوف کور به خوانندگان توصیه می‌شود» (القرش ۲۰۱۵: ۲).

الدسوقی شتا یکی از مترجم‌های بوف کور در مقدمه کتاب *البومة العمياء* بیان می‌کند: «هدایت، ادبیات فارسی را از شخصیت‌های اسطوره‌ای به شخصیت‌هایی که غذا می‌خورند و در بازارها راه می‌روند، تبدیل کرد» (۱۹۹۰: ۴۸). او یکی از شاخصه‌های رمان واقع‌گرا را در رمان هدایت معرفی می‌کند. «از معیارهای راست‌نمایی فرهنگی، داستان باید به شخصیت‌های عادی پردازد نه به شخصیت‌های غیرعادی و یگانه» (مارتین ۱۳۸۹: ۴۶).

و او- مصطفی- لبخند می‌زند، زمانی که چهره لورا او را با چالش مواجه کرده است و لورا او را به مطالعه و تحقیق وامی‌دارد و تشویق می‌کند برای اینکه بعداً به دنبال پاسخی برای آن سؤال بگردد. سؤال و ناآگاهی او از فرهنگ، از مردانگی‌اش در برابر زنی مانند لورا می‌کاهد- لورا می‌گوید- شما اعتماد به نفس ندارید. تعجب می‌کنم که این قدر صادق هدایت را در فرهنگ، زبان و میراثش بالا می‌برید؛ درحالی‌که شما چیزهایی برتر و مهم‌تر حتی از شاهنامه دارید (۱۷) (۴۳).

نویسنده از نگاه شخصیت‌ها به شرح داستان می‌پردازد و این تداعی‌گر نظریه باختین است که برای شخصیت‌ها صدای مستقلی قائل می‌شود و نویسنده تأثیری در روند ماجرا ندارد (۱۸). باختین به این موضوع در رمان داستایفسکی اشاره می‌کند. «داستایفسکی نه بردگانی خاموش؛ بلکه انسان‌هایی "آزاد" می‌آفریند که می‌توانند "دوشادوش" خالقشان بایستند؛ با او چون و چرا کنند؛ حتی در برابرش سر به شورش بردارند» (مکاریک ۱۳۸۳: ۱۳۴). در رمان گفت‌وگو محور به دلیل آزادی مطلق شخصیت‌ها در داستان، امکان ابراز دیدگاه‌های خود نسبت به دیگری وجود دارد که این ویژگی اساس نظریه خود و دیگری باختین را تشکیل می‌دهد.

## ۹. نتیجه

۱. رمان *المایسترو* اثر رمان‌نویس مصری، سعد القرش، بستر مناسبی برای مطالعات نقد فرهنگی، به‌ویژه فرهنگ ایرانی فراهم کرده است که با ظرافت خاصی اندیشه‌های مخالف و موافق شخصیت‌های داستان را بدون دخالت نظر شخصی

خویش، آورده که این ویژگی از برجسته‌ترین مبانی نظریه باختین است.

۲. میان نظریه تصویرشناسی در حوزه ادبیات تطبیقی و نظریه باختین، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ از آن رو که هدف از ادبیات تطبیقی ارتباط فرهنگ‌های مختلف است؛ از طرفی باختین بر توجه به دیگری تأکید می‌کند.

۳. گفتمان دیگری ایرانی در رمان المایسترو بر اساس نظریه خود و دیگری باختین عبارتند از: دیگری به‌عنوان غیر خودی، نیاز به دیگری، عدم کنش‌پذیری خود در برابر دیگری، خودشیفتگی خود در برابر دیگری، تأثیرپذیری از دیگری، وجود دیگری به‌عنوان امر حیاتی، افزون‌دید در برابر دیگری، درک دیگری و فرم‌بخشیدن به خود از راه دیگری، نقش دیگری در تصوف و درنهایت، نگاه شخصیت داستان به دیگری.

۴. شخصیت‌های رمان المایسترو، به‌ویژه لورا نسبت به فرهنگ ایرانی در پاره‌ای موارد دارای نظری مثبت هستند و گاهی دیدگاه منصفانه‌ای ارائه نمی‌دهند. همچنین در گفتمان خلیج فارس به‌دلیل تعصب، شاهد درگیری می‌شویم. در تمام گفتمان‌ها حضور دیگری دیده می‌شود که این ویژگی، اساس نظریه باختین است.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی عناصر گفتمان فرهنگی در رمان المایسترو اثر سعد القرش بر اساس نظریه میخائیل باختین» است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. سعد القرش (۱۹۶۶) در استان غربیه مصر به دنیا آمد. وی فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته روزنامه‌نگاری، دانشکده ارتباطات جمععی (۱۹۸۹) دانشگاه قاهره است. اولین داستان کوتاه خویش را در مجله *ابداع* (۱۹۸۸) منتشر کرد. القرش مدیرمسئول مجله *الهلال* در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۴ بود. او در عرصه روزنامه‌نگاری فعالیت می‌کند و در نقد ادبی و سینمایی، دستی توانا دارد. وی دارای دو مجموعه داستان کوتاه است: ۱. *مرافق للرحیل* (۱۹۹۳) و ۲. *شجرة الخلد* (۱۹۹۸). از آثار دیگر وی می‌توان به این رمان‌ها اشاره کرد: ۱. *حدیث الجنود* (۱۹۹۶)، ۲. *باب السفینة* (۲۰۰۲)، ۳. *ثلاثیة أوزیر: ول النهار* (۲۰۰۵): این رمان جایزه بین‌المللی طیب صالح را کسب کرد و به‌عنوان یکی از رمان‌های دوره اول جایزه بوکر عربی سال ۲۰۰۸، در لیست بلند رمان‌ها، انتخاب شد؛ *یل أوزیر* (۲۰۰۸): این رمان برنده جایزه اتحادیه نویسندگان مصر (۲۰۰۹) شد؛ *وشم وحید* (۲۰۱۱)، ۴. *المایسترو* (۲۰۱۹)، ۵. *۲۰۶۷* (۲۰۲۲). از دیگر آثار او، اثری با موضوع سفرنامه است؛ یعنی *سبع سماوات (رحلات فی الجزائر و العراق و الهند و المغرب و هولندا و مصر)* (۲۰۰۸): این سفرنامه جایزه ابن بطوطه را از آن خود کرد. او کتاب‌هایی در مورد تاریخ مصر نیز دارد: ۱. *الثورة الآن... یومیات من میدان التحرير*

۲. سنه اولی إخوان... وقائع و شهادة علی: ۳۶۹ یوما قبل اختفاء (۲۰۱۴)، ۳. قبل تشییع الجنازة... فی وداع مهنة الصحافة (۲۰۲۰) و ۴. فی مديح الكتابة... أربعون كتابا و كتابا (۲۰۲۳). از دیگر آثار او کتابی درباره سینماست: فی مديح الأفلام... مهرجانات و مدن و شعوب تحبها السينما (۲۰۱۶).

۲. «لأحيط علما بآداب اللغة الإيرانية رسمت ضحكة علی الشاشة، و أتبعها بإيضاح أنه لا توجد لغة إيرانية، و إنما فارسية تُكتب بحروف عربية. و أنهى المحادثة؛ لشعوره بالحرج، إلى أن يقرأ شيئا يستطيع به الصمود أمام أمريكية تبدو أكثر منه وعيا بثقافته».

۳. «فأقدم مخطوطة فارسية فی العالم لا ترجع إلى القرن التاسع الميلادي، و تاريخها الأقرب إلى الدقة يدور حول عام ۱۰۵۶ میلادی (۴۴۷ هجری) و عنوانها الأبنية عن حقائق الأدوية و مؤلفها الكيميائي أبو منصور علی الهروي، و هي مكتوبة بخط الشاعر أسدی طوسی، و الكتاب محفوظ فی المكتبة الوطنية فی فيينا. ولكن هذا عنوان كتاب عربي. اعتاد الفرس اختيار عناوين باللغة العربية لكتبهم. توقعت ألا تفوتك هذه الملاحظة، أنت لِمَاح مصطفى».

۴. نشنال جئوگرافیک نشریه انجمن ملی جغرافیای آمریکا است که از سال ۱۸۸۸ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد. هم‌اکنون عنوان مشهورترین نشریه علوم طبیعی را در اختیار دارد. از زبان‌های تحت پوشش این نشریه، فارسی، عربی و ترکی است ([www.magiran.com/article/3803674](http://www.magiran.com/article/3803674)).

۵. «لم يأبه مصطفى للصفة التي أتبعها لورا للخليج، و لا يتذكر هل قالت «الخليج» و كفى؟ أو ألحقت به صفة مسّت عصبا عاريا لدى نواف و المرأة العربية حين قالت الشقراء الأجنبية: جيد أن يلتقي أهل الخليج الفارسي مصادفة، فی قهوة فی رحاب الأهرام. لزم نواف الصمت فی غضب عجزت أن تكظمه المرأة؛ لانعرف مكانا اسمه «الخليج الفارسي»، لعلك تقصدين «الخليج العربي؟» مجلة ناشيونال جيوگرافيك دائما تكتب «الخليج الفارسي»، و لأتابع مصادر عربية باللغة الإنجليزية لأعرف اسمه لديكم. اسمه الخليج العربي. هزت الشقراء كتفيها عجا لدهشة امرأة كادت تدفع كوب الماء، لولا إسراع نواف إلى الإمساك به: ليكن «الخليج العربي»، هل هذا يرضيك؟ هدأت قليلا، و عينا نواف تتراقص بينهما: ليست القضية ما يرضيني، و إنما نرفض تزوير الحقائق. هزت كتفيها، بالطريقة السابقة نفسها، و قالت بهدوء: نحن من يصنع الحقائق، و نلحّ عليها فنصدقها و نقتنع بها الآخريين. الحقيقة أنه لا توجد حقيقة. أشارت إلى التلفزيون: هذه الشاشة تسحر الناس، يستخدمها في تزييف الوقائع من يملك مهارات التأثير، فيمحو حقائق و يثبت أساطير».

۶. لازم به ذکر است در مکاتباتی که نویسندگان با آقای القرش انجام دادند، ایشان بیان کردند که مطالعات بسیاری درباره کشور ایران داشته‌اند و آن را دارای فرهنگ بزرگی می‌دانند



كه صاحب گنجينه‌هاى فراوانى، از جمله شاهنامه است و آشنائى وى با فرهنگ ايرانى بيشتر به فصلى از كتاب *الطريق الى مكة* اثر محمد أسد (ليوبولد فايس) برمى گردد كه دو مقاله در مورد آن نگاهشته است: «قد قرأت عن إيران كثيرًا، و هي ثقافة عظيمة أثمرت ذخائر أولها *الشاهنامه*، و أعمق ما قرأت عن الشخصية الإيرانية فصل في كتاب *الطريق إلى مكة* لمحمد أسد (ليوبولد فايس) و كتبت عنه مقالين».

٧. «توقعت أن تسألني عن *الشاهنامه* هي جماع الشرف الثقافي و التاريخي الفارسي، و البعض من المستشرقين يراها في مستوى *المعلقات العربية*. لا تشغل بالك بأهميتها؛ فعندكم ألف ليلة و ليلة فوق مستوى المقارنة "إلى يوم يبعثون"، و رسمت قلبا و ابتسامه».

٨. «كاد يقول لها إنه محام، و ليس باحثًا في تاريخ الآداب، و لا يعرف من يكون هذا الكاتب المسمى "هدايت". و قدّر من رسم الاسم أنه ايراني أو تركي. و قرأ بقية جملة لورا: *الشاهنامه* و مال إلى أنها فارسية، و أن هدايت ايراني، و أراد إنهاء المحادثة بإيضاح موجز».

٩. «ولديكم في العربية، و هي من أحدث اللغات، تراث كتابي في الفقه و التاريخ و التصوف و الآداب و الفلسفة و الطبيعية أقدم و أغزر مما تستعلى عليكم ثقافة مجاورة مثل الفارسية التي ليس لها منجز تدويني قبل القرن التاسع الميلادي، و يتباهون عليكم بذكر *الشاهنامه* و عندكم *ألف ليلة و ليلة* أعظم نص قصصي على الإطلاق في كل العصور و اللغات».

١٠. «انتشت من الوصف، مع إغماض عينيه، و قالت إنها تستدعي الآن *ألف ليلة و ليلة*، و إنه يحل مكان شهرزاد، و إن شهرزاد راوغت الملك، و نجحت بالخدعة في افتداء نفسها و إنقاذ رقاب بنات جنسها، و صنعت من القصص المتناسلة شركا للملك».

١١. «كنت مهموما بتحصيل معارف في القانون، و لاعلاقة لي بما هو أبعد من دراسة الحقوق. سخرت منى لورا في بداية محادثتنا، قبل اللقاء المباشر، و هي تشير ذات ليلة إلى كتاب *القانون لابن سينا*، و قلت: لم أعثر عليه في المراجع القانونية، فقالت إنه كتاب في الطب».

١٢. «قالت إنها تركته في الليل، و هي مطمئنة إلى أن أقدم مخطوطة فارسية كتبت في القرن التاسع الميلادي، ثم امتنع عليها النوم، و حملها الأرق إلى البحث عن فجر المنجز التدويني الفارسي، و علاقته بالحضارة الإسلامية، و لم تصل إلى يقين. فأدرك الأفادة ترجي من العبث مع امرأة لا وفاء لها إلا لعقلها. و اختتم الرسالة بما يشبه الاعتذار و الوداع. فقرأت الرسالة و أجابت: أريد تصويب معلومة كتبتها إليك الليلة الماضية، فأقدم مخطوطة فارسية في العالم لا ترجع إلى القرن التاسع الميلادي، و تاريخها الأقرب إلى الدقة يدور حول عام ١٠٥٦ ميلادي، (٤٤٧ هجري)، و عنوانها *الأنبياء عن حقائق الأدوية* و مؤلفها الكيميائي أبو منصور على الهروي، و هي مكتوبة بخط الشاعر أسدي طوسي، و الكتاب محفوظ في المكتبة الوطنية في فيينا».

۱۳. «فأقدم مخطوطة فارسية فى العالم لاترجع إلى القرن التاسع الميلادى، و تاريخها الأقرب إلى الدقة يدور حول عام ۱۰۵۶ میلادى (۴۴۷ هجرى)، و عنوانها الأبنية عن حقائق الأدوية، و مؤلفها الكيمائى أبو منصور على الهروى، و هى مكتوبة بخط الشاعر أسدى طوسى، و الكتاب محفوظ فى المكتبة الوطنية فى فيينا».

۱۴. «ثم قدر أنها نامت، و كتب إليها سطرًا، لعله طمأنة من جلال الدين الرومى: "عندما تتخطى مرحلة صعبة من حياتك، أكمل الحياة كنتاج و ليس كضحية"».

۱۵. خانم کارن آرسترانگ از صاحب‌نظران مشهور دین انگلیسی‌زبان است. کتاب *زندگی‌نامه پیامبر اسلام (ص)* آرسترانگ که یک ماه پس از حادثه یازدهم سپتامبر انتشار یافت، به پرفروش‌ترین کتاب سال آمریکا تبدیل شد ([www://cheshmebrkhar.ir/59529](http://www://cheshmebrkhar.ir/59529)).

۱۶. «يضع نواف الكأس على حافة القارب، و يقول إن المرأة بدأت تحية الأجنبية بحرفى «Hi»، و يتسم مصطفى و يعجب لحرفين شقًا له طريقًا فى السحاب و المحيط إلى الضفة الأخرى، و يقول إن لورا تمنى أن تعبر الضفة الأخرى للخليج، إلى الشرق الإيرانية الذى جذب أعلامه من المتصوفة كارين آرسترونج إلى إعادة النظر فى مسلمات غربية، و شرعت فى البحث فى التاريخ الإسلامى، و نشرت كتابها محمد... نبى لزماننا، و إن ترجمة هذا الكتاب إلى العربية ظلت مشروعًا يشغل لورا».

۱۷. «و يتسم إذ يطل عليه وجه لورا التى مثلت له تحديًا يستفزه، و يدفعه إلى القراءة والبحث، لكى يبحث عنها فى وقت لاحق، فينتقص السؤال و الجهل بثقافته من رجولته تنقصكم الثقة، يدهشنى استعلاء صادق هدايت بثقافته و لغته و تراثه، و لديكم ما هو أفضل و أكثر أهمية من الشاهنامه».

۱۸. براساس مکاتباتى که با آقای القرش شد، در سال ۲۰۱۵، آن زمان که مدیرمسئول مجله *الهلال* بود؛ در یکی از شماره‌های مجله ترجمه رمان بوف کور هدايت را توسط دسوقى شتا به چاپ رساند: «كنت قد نشرت ترجمة عربية لرواية صادق هدايت البومة العمياء و هى ترجمة الدكتور إبراهيم الدسوقى شتا فى سلسلة روايات *الهلال* حين كنت رئيس تحرير مجلة *الهلال*، مع نشر مواد و ملفات أخرى تخص الأدب الإيراني الجديد».

## منابع

- أدى شير، السيد (۱۹۸۸). *الألفاظ الفارسية المعربة*. القاهرة: دار العرب للبلستان.
- اسمیت، فیلیپ دانیل (۱۳۹۶). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- باختین، میخائیل (۱۳۹۵). *میخائیل باختین: پرسش‌های بوطیقای داستانیفیسکی*. ترجمه سعید صلح‌جو، تهران: نیلوفر.
- باختین، میخائیل (۱۴۰۰). *هنر و پاسخگویی «نخستین جستارهای فلسفی» میخائیل باختین*. ترجمه سعید صلح‌جو، تهران: نیلوفر.
- برنس، جیرالد (۲۰۰۳). *المصطلح السردی (معجم مصطلحات)*. ترجمه: عابد خزندار، مراجعه و تقدیم: محمد بریری، القاهرة: المشروع القومي للترجمة.
- بوحلاویس، سلاف (۲۰۰۹). *صورة الأنا والآخر فی شعر مصطفى محمد الغماری*. الجزائر: باتنة، جامعة الحاج لخضر.
- پرچکانی، فاطمه (زمستان ۱۳۹۷). «گفتمان فرهنگی عربی درباره ایران: با تکیه بر آثار سه نمایشنامه‌نویس عرب». *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ۱۴: ۴ (پیاپی ۴۹)، صص. ۱۷۹-۱۹۸.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۳). «باختین: بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز ادبیات در قرن بیستم». *در سودای مکالمه، خنده، آزادی میخائیل باختین*، ترجمه محمد پوینده، تهران: آرست.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). *منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین*. ترجمه داریوش کریمی، تهران: مرکز.
- حسان، عبدالحکیم (۱۹۸۳). «الأدب المقارن بین المفهومین الفرنسی و الأمريكي». *فصول قاهره، المجلد ۳، صص. ۱۷-۱۱*.
- حمزة، عبداللطیف (۱۹۶۳). *الصّحافة و المجتمع*. القاهرة: دارالقلم.
- الدسوقی شتا، ابراهیم (۱۹۸۷). *التصوف عند الفرس*. القاهرة: دارالمعارف.
- رنجبر، محمود؛ خوشبین‌فر، سپیده (زمستان ۱۴۰۰). «گفتمان غیریت‌ساز در مجموعه هفت قصه جاده اکبر رادی». *پژوهشنامه ادبیات داستانی*، ۱۰: ۴، صص. ۸۵-۱۰۶.
- ری، جونائان؛ آرمسون، ج. او. (۲۰۱۳). *الموسوعة الفلسفية المختصرة*. ترجمه: فؤاد کامل، جلال العشری و عبدالرشید الصادق محمودی، مراجعه و إشراف: زکی نجیب محمود، القاهرة:

المركز القومي للترجمة.

زیتونی، لطیف (۲۰۰۲). *معجم مصطلحات نقد الرواية (عربی، انكليزی، فرنیسی)*. لبنان: مكتبة لبنان ناشرون، دار النهار للنشر.

زیدان، جرجی (۲۰۱۳). *تاریخ التمدن الإسلامی. الجزء الثاني، القاهرة: مؤسسة هنداوی.*

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران (از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی)*. جلد یکم، تهران: فردوس.

صیادانی، علی و دیگران (ربیع و صیف ۱۴۰۰ ش. / ۲۰۲۱ م.). «البولیفونیة فی رواية الديوان الإسبرطی لعبد الوهاب عيساوی علی ضوء النظرية الباختینیة». *دراسات فی اللغة العربیة و آدابها*، نصف سنویة دولیة محکمة، ۱۲: ۳۳، صص. ۱۹۷-۱۰۳.

عبدالجلیل، ج. م. (۱۳۶۳). *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه آ. آذرنوش، تهران: امیرکبیر.

عزام، عبدالوهاب (۱۹۳۲). *الشاهنامه. القاهرة: مطبعة دارالکتب المصریة بالقاهرة.*

الفاخوری، حنا (۱۳۸۰). *تاریخ الأدب العربی. الطبعة الثانية، تهران: توس.*

القرش، سعد (۲۰۱۹). *المایسترو. القاهرة: دارالعین للنشر.*

قزوینی، میرزا محمدخان (۱۳۴۱). «قدیم‌ترین کتاب در زبان فارسی حالیه» در بیست مقاله. جلد یکم، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.

مارتین، والاس (۱۳۸۹). *نظریه‌های روایت*. ترجمه محمد شهباء، چاپ چهارم، تهران: هرمس.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۳). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.

نامورمطلق، بهمن (زمستان ۱۳۸۸). «درآمدی بر تصویرشناسی: معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۳: ۱۲، صص. ۱۳۸-۱۱۹.

نظری منظم، هادی و دیگران (زمستان ۱۳۹۵). «تصویر ایران در رمان سمرقند اثر امین معلوف: پژوهشی در ادبیات تطبیقی». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۴: ۴ (پیاپی ۱۰)، صص. ۲۵-۵۵.

هدایت، صادق (۱۹۹۰). *البومة العمياء وقصص أخرى*. ترجمه و دراسته ابراهیم الدسوقی شستا، القاهرة: مكتبة مدبولی.

الهروی، موفّق‌الدین ابومنصور (۱۳۴۶). *الابنية عن حقایق الادویة یا روضة الانس و منفعة النفس*. به تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران: دانشگاه

تهران.

هنرمند، سعید (۱۴۰۱). میخائیل باختین: سه نظریه گفت‌وگوگرایی، ژانرها و بوطیقای رمان. تهران: آوشت.

Abdul Jalil, J. M. (1984). History of Arabic literature. Translation of A. Azarnoosh, Tehran: Amirkabir.

Addi Shir, Al Sayed (1988). Al-Farsi Arabic words. Cairo: Dar al-Arab Lebustan.

Al-Dusoghi Sheta, Ibrahim (1987). Sufism at Al Fars. Cairo: Dar al-Maarif.

Al-Harawi, Mufaq al-Din Abu Mansour (1967). Al-Ibniyyah about the facts of medicine or the rule of grace and self-interest. Edited by Ahmad Bahmanyar, edited by Hossein Mahboubi Ardakani, Tehran: University of Tehran.

Al-Khoori, Hanna (2001). History of Arabic literature. Second edition, Tehran: Tos.

Al-Qorash, Saad (2019). Elmaestro Cairo: Dar al-Ain Publishing House.

[altibrah.ac/author/2734](http://altibrah.ac/author/2734)

Azzam, Abdul Wahab (1932). Shahnameh Cairo: Dar al-Kitab al-Masriyya Press in Cairo.

Bakhtin, Mikhail (2015). Mikhail Bakhtin: Dostoyevsky's Boutique Questions. Translated by Saeed Salahjo, Tehran: Nilofar.

Bakhtin, Mikhail (2021). Art and accountability of Mikhail Bakhtin's "First Philosophical Essays". Translated by Saeed Salahjo, Tehran: Nilofar.

Bouhlavis, Salaf (2009). The image of Alana and Alkher in the poetry of Mustafa Mohammad Alghamari. Algeria: Batna, Al-Haj Lakhdar University.

Burns, Gerald (2003). The term al-Sardi (glossary of terms). Translated by Abid Khazendar, reviewed and presented by Mohammad Beriri, Cairo: Al-Mahaqi al-Tarjam Project.

Hamza, Abdul Latif (1963). Journalism and society. Cairo: Dar al-Qalam.

Hassan, Abdul Hakim (1983). "Al-Adab al-Maqar between French and American concepts." Cairo Seasons, Volume 3, p. 11-17.

- Hedayat, Sadegh (1990). *The album Al-Omiya and other stories*. Translated and studied by Ebrahim al-Dsoghi Sheta, Cairo: Madbouli School.
- Honarmand , Said (2022). *Mikhail Bakhtin: three theories of dialogism, genres and boutiques of the novel*. Tehran: Avasht.
- Makarik, Irena Rima (2004). *Encyclopedia of contemporary literary theories*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agh.
- Martin, Wallace (2010). *Narrative theories*. Translated by Mohammad Shahba, 4th edition, Tehran: Hermes.
- Nazari Naghari, Hadi and others (Winter 2014). "The image of Iran in the novel *Samarkand* by Amin Maalouf: a research in comparative literature." *Researches of comparative literature, period 4, number 4*, p. 25-55.
- Namurtalaq, Bahman (2009). "Introduction to the imagery of introducing a method of literary and artistic criticism in comparative literature." *Comparative Literature Studies, Year 3, Number 12*, p. 119-138.
- Perchkani, Fatemeh (Winter 2017). "Arabic cultural discourse about Iran: based on the works of three Arab playwrights." *Iranian Association of Arabic Language and Literature, No. 49*, p. 179-198.
- Ranjbar, Mahmoud; Khusbinfar, Sepideh (2021). "The alienating discourse in the seven stories of Akbar Radi's road." *Journal of fiction literature, period 10, number 4*, p. 85-106.
- Qazvini, Mirza Mohammad Khan (1962). "The oldest book in the Persian language is Hala." In *twenty articles*. The first volume, the second edition, Tehran: Dunya Kitab.
- Ray, Jonathan; Armson, J. She. (2013). *Al-Mosua al-philosophical Al-Mukhashara*. Translated by: Fouad Kamel, Jalal Al-Ashry and Abd al-Rashid al-Sadiq Mahmoudi, revised and supervised by: Zaki Najib Mahmoud, Cairo: Al-Marqas al-Qoomi for translation.
- Safa, Zabihullah (1990). *The history of literature in Iran (from the beginning of the Islamic era to the Seljuk period)*. Volume 1, Tehran: Ferdous.

---

Sayadani, Ali and others (Spring and Summer 1400/2021 AD). "Al-Boliphony in the Narrative of Al-Diwan al-Isbarti by Abd al-Wahhab Issawi Ali in the Light of Al-Bakhtiniya Theory." Studies in the Arabic language and manners, semi-annual authoritative international, Sunnah 12, No. 33, 103-197.

Smith, Philip Daniel (2016). An introduction to cultural theory. Translated by Hasan Pouyan, Tehran: Cultural Research Office.

Todorov, Tzutan (1994). "Bakhtin: the greatest theorist of literature in the 20th century." In the Soda of Conversation, Laughter, Freedom by Mikhail Bakhtin, translated by Mohammad Poivendeh, Tehran: Arest.

Todorov, Tzutan (1998). Dialogue logic of Mikhail Bakhtin. Translated by Dariush Karimi, Tehran: Center.

[www.magiran.com/article/3803674](http://www.magiran.com/article/3803674)

[www://cheshmebrkhar.ir/59529](http://www://cheshmebrkhar.ir/59529)

Zaitouni, Latif (2002). Glossary of terms of criticism of the novel (Arabic, English, French). Lebanon: School of Lebanon Nashrun, Dar Nahar Llanshar.

Zidan, Georgi (2013). History of Islamic civilization. Second part, Cairo: Hindawi Foundation.

[altibrah.ae/author/2734](http://altibrah.ae/author/2734)

[www.magiran.com/article/3803674](http://www.magiran.com/article/3803674)

[www://cheshmebrkhar.ir/59529](http://www://cheshmebrkhar.ir/59529)

## The Iranian Other in the Novel *El Maestro* by Saad Al-Qorash based on Bakhtin's Theory of the Self and the Other

Entha Firouzi <sup>1</sup>, Jahangir Amiri <sup>2</sup>, Ali Salimi <sup>3</sup>, Yahya Marouf <sup>4</sup>

### Abstract

The attitude towards “the other” forms the foundation of cross-cultural communication on diverse issues. The Iranian other becomes one of those “others” in the novel *El Maestro*, a dialogue-oriented novel in which different cultures come into contact with one another. Mikhail Bakhtin's theory of the self and the other is a proper space for the colorful presence of the “other” in the process of shaping one's identity and self. Imageology is one of the most extensive areas in the field of comparative literature in which the “other” plays a special role, and there is also a close connection between the imageology and Bakhtin's theory of the self and the other. Saad al-Qorash is a prominent Egyptian writer whose novel *El Maestro* is a meeting place of different cultures. The Iranian other is one of the examples of the cultural others discussed in the novel, affirming the importance of the other in contrast to the self. In this research, the “self” has a fluid meaning, in such a way that sometimes an Iranian and an Arab confront as the self, and sometimes, as the other of each other, similar to a westerner being placed against another person as the self. Thus, the present research aims to analyze the Iranian other in the novel *El Maestro* by applying Bakhtin's theory of self and other via a descriptive-analytical approach. The findings of the research prove that there is an inseparable connection between imageology and Bakhtin's theory. *El Maestro* is a proper space for critical, cultural and interdisciplinary studies, especially a study on Iranian culture in which opposing and supporting ideologies are present without the involvement of the author, a situation which is a prominent foundations of Bakhtin's theory. Therefore, this research offers a new comparative reading of *El Maestro* based on Bakhtin's theory of the self and the other.

**Keywords:** The Iranian other, *El Maestro*, theory of self and other, Bakhtin, imageology, comparative literature

1. Ph.D. student of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language & Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. [firoozi.enth@stu.razi.ac.ir](mailto:firoozi.enth@stu.razi.ac.ir)
2. Professor of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language & Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding author) [Jamiri@razi.ac.ir](mailto:Jamiri@razi.ac.ir)
3. Professor of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language & Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. [a.salimi@razi.ac.ir](mailto:a.salimi@razi.ac.ir)
4. Professor of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language & Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. [Ymaerof@razi.ac.ir](mailto:Ymaerof@razi.ac.ir)

#### How to cite this article:

Entha Firouzi; Jahangir Amiri; Ali Salimi; Yahya Marouf. “The Iranian Other in the Novel *El Maestro* by Saad Al-Qorash based on Bakhtin's Theory of the Self and the Other”. *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 4, 2, 2024, 125-148. doi: 10.22077/islsh.2024.7062.1386



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).